

بسم الله الرحمن الرحيم

مانند مادر محمد فاتح باش و قهرمانی را تربیه نما تا فاتح روم شود!

(ترجمه)

عبدالله بن عمرو می‌فرماید: «پیامون رسول الله صلی الله علیه وسلم نشسته بودیم و می‌نوشتیم که در این هنگام شخصی از ایشان پرسید: کدام یک از این دو شهر نخست فتح خواهد شد، قسطنطنیه یا روم؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: نخست شهر هرقل یعنی قسطنطنیه فتح خواهد شد.»

مادری بشارت رسول ما را با حکمت دریافت می‌کند و عجله می‌نماید تا اسم فرزندش را در تاریخ امت اسلامی درج نماید و از او فاتح قهرمانی برای یاری دین اسلام بسازد. آری، او مادر محمد فاتح است؛ مادری که تعهد نمود تا فکر فتح قسطنطنیه را در ذهن فرزند کوچکش غرس نموده و تحقق بشارت پیامبر صلی الله علیه وسلم را به دستان او رقم بزند؛ او این کلمات را از کودکی برایش تکرار می‌نمود تا مانند نقشی بر سنگ شود.

مادر محمد فاتح با تربیه خود از فرزندش قهرمانی ساخت تا تحقق بخش بشارت رسول الله صلی الله علیه وسلم باشد. او همواره این آرزوی خودش را در گوش فرزندش زمزمه می‌کرد و او را چنان تربیه نمود تا این فتح بزرگ به دستان او رقم بخورد. او روز به روز بزرگ‌تر می‌شد و این آرزو نیز با او یکجا بزرگ می‌شد، پرورش می‌یافت و او بخاطر برآورده شدن این آرزو لحظه شماری می‌کرد تا این که بالاخره الله سبحانه و تعالی او را عزت بخشید و فاتح قسطنطنیه شد.

در اسلام، مادر این‌گونه می‌باشد؛ مربی نسل‌ها و سازنده قهرمانان، او فرزندانش را بر اساس پایبندی به احکام پروردگارش بزرگ می‌سازد تا اخلاق‌شان درست گردد و کار کردن بخاطر یاری دین‌شان در وجود آن‌ها ریشه دوانده و تجارت سودمندی را انجام دهند. آن‌ها رشد می‌کنند و در کنار آن محبت‌شان نسبت به الله سبحانه و تعالی و پیامبرشان صلی الله علیه وسلم نیز رشد می‌کند و بالاخره جان‌های خود را بخاطر حاکم ساختن دین الله سبحانه و تعالی و نشر آن قربانی می‌کنند.

زن مسلمان امروز کجا و مادر محمد فاتح کجا؟! آیا زن مسلمان امروز تلاش می‌کند تا فرزندانش را چنان تربیه نماید تا بشارت دوم رسول الله صلی الله علیه وسلم یعنی فتح روم را تحقق بخشند؟ آیا زن مسلمان امروز حدیث پیامبر ما صلی الله علیه وسلم را مرور نموده است که تصمیم بگیرد تا مادر محمد فاتح دوم باشد؟ و یا این که تصمیم گرفته است تا فرزندانش از رهبران ارتش‌های دولت اسلام باشند؟

بعد از آن که غرب دولت مسلمانان را سقوط داد و آن‌ها را از دین‌شان دور ساخت، با مفاهیم خود به جنگ با آن‌ها پرداخت و در این جنگ توجه ویژه خود را به سوی زن مسلمان معطوف ساخت تا او به چشم تمدن سرمایه‌داری غربی به سوی اشیاء ببیند.

مادر محمد فاتح بعد از آن که هر روز او را به بلندی‌های می‌برد تا بشارت رسول الله صلی الله علیه وسلم را به یادش بیاورد و آرزویش را که روزی باید پرچم این شهر را حمل نماید، برایش ابراز نماید، او را به مدرسه می‌برد و برایش تلقین می‌کرد که باید توسط

پیروزی‌اش و کسب جایگاه اول، خواب او را به حقیقت مبدل سازد تا او بالایش افتخار نموده و با این کارش خوشنود گردد. او را نمی‌گذاشت تا در مورد امور دنیوی فکر کند؛ مگر این که در ادای واجبات دینی‌اش به او کمک کند. او چنان نبود که فرزندش را صبح زود فقط بخاطر مراجعه به درس‌هایش و بی‌توجهی در مورد نماز بیدار سازد و یا این که او را به ادای نمازها تشویق نکند. بعد از آن که پایبندی به احکام دینی و خوف از گناهان را در وجودش غرس نمود، او را به تحمل مسئولیت‌ها عادت می‌داد و او هم وظایف دشوار را تمرین نموده و از مردان واقعی گشت و اگر او را به حیث طفل کوچکی که در مقابل اشتباهاتش مؤاخذه و محاسبه نمی‌شود، به حال خودش رها می‌کرد؛ در این صورت او را ضایع ساخته بود.

امروزه موضوع قابل تأمل در وضعیت بیشتری از فرزندان ما اینست که آن‌ها از آنچه برای‌شان رسیده احساس اندوه می‌کنند و هیچ‌گونه احساس مسئولیت و هدف در نزدشان وجود ندارد. از کجا این احساس را داشته باشند؛ در حالی که اساس پرورش آن‌ها اشتباه بوده و همواره به دنبال برآورده ساختن خواهشات و تمایلات خودشان هستند. خودخواهی و خودبینی در آن‌ها رشد کرده و زندگی دنیا به بزرگ‌ترین پیشانی آن‌ها مبدل گشته. مادری که مربی آن‌هاست، حب لذت‌ها و تلاش برای به دست آوردن خواهشات و غرایز را در وجود آن‌ها کاشته است و یا خودشان و یا توسط دیگران از انجام نیکی‌ها و کسب خوبی‌ها غافل گشته‌اند.

گاهی اوقات برایم گفته می‌شود: چشمانت را باز کن! در میان زنان مسلمان مادرانی هستند که وظایف‌شان را در برابر فرزندان‌شان شناخته و بخاطر ساختن شخصیتی سالم از آن‌ها تلاش می‌کنند و می‌کوشند تا از فرزندان‌شان رهبران و مردان واقعی بسازند. من این را رد نمی‌کنم؛ اما این مادران با مشکلات و چالش‌های متعددی روبرو هستند و در واقعیتی زندگی می‌کنند که مفاهیم فاسدی به هدف ایجاد نسل‌های گودن، بی‌هدف و بی‌خبر از دین‌شان بر آن غالب هستند؛ اندیشه زشتی که رذائل و فساد را منتشر می‌سازد تا فرزندان ما را از دین و احکام‌شان منحرف ساخته و مفاهیم آزادی و بی‌بندوباری را در وجود آن‌ها غرس نماید. حکومت‌ها با پیروی از سیاست‌های تحمیل‌شده بالای آن‌ها و ترویج فرهنگ غربی و با استخدام وسایل نشراتی و رسانه‌هایی که مفاهیم فاسد کننده را منتشر می‌سازند و هم‌چنان با ایجاد نظام‌های تعلیمی فاسدی که افکار زهرآگین را گسترش می‌دهند؛ می‌توانند وضعیت را به باتلاقی مبدل سازند تا فرزندان ما در آن غرق شوند و خود را چنان سرگشته و گم‌گشته تصور کنند که گویا هیچ راهی برای بیرون رفت از این وضعیت وجود ندارد.

بر مادر مسلمان و بیدار لازم است تا در عرصه نقشی که در پرورش مردان قهرمان دارد، هر روز در گوش فرزندش این کلمات را زمزمه کند که او از الله سبحانه و تعالی می‌خواهد - نانچه مادر محمد فاتح خواسته بود تا بعد از آن که دولت خلافت راشدانه ثانی بر منهج نبوت برپا گردد، فرزندش رهبری از رهبران ارتش‌های اسلامی گردد و همیشه این را تکرار نماید که یگانه راه‌حل در برپایی دولت اسلام است! این را همیشه برای فرزندش تکرار نماید تا آرزوی برآورده ساختن بشارت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در مورد فتح در وجودش غرس گردد و چنان رشد نماید که شوق رسیدن به آن همیشه او را تحریک نماید.

بنابر این، هر مادری باید آستین بر زده و محبت برآورده ساختن بشارت دوم رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را در وجود فرزندانش بکارد و از میان آن‌ها صلاح الدین و محمد فاتح‌ها را خارج سازد و با این کار، شرف پرورش فاتح قهرمانی را به دست آورد که روزی اسلام را حاکم ساخته و پرچم آن را بلند خواهد نمود.

نویسنده: زینت صامت

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر